

شروع داستان : کلاغ خواست راه رفتن کبک را بیاموزد، راه رفتن خود را هم فراموش کرد!

آورده‌اند که روزی کلاغ، کبکی را دید که راه می‌رفت. کلاغ از راه رفتن کبک و از تناسب حرکات و چستی اطراف او خوشش آمد، به نظر کلاغ راه رفتن کبک زیبا بود. مدت‌های مدیدی به راه رفتن کبک دقت کرد. ناگهان فکری به ذهنش رسید، که شاید این همان زمان و موقعیت

حساسی است که برای او فرا رسیده تا دیگر کلاغ نباشد. بنابراین تصمیم گرفت اول راه رفتن کبک را تقلید کند. چندی بکوشید تا همچون کبک زیبا راه رود. بعد از مدتی راه رفتن او را که نیاموخت هیچ، رفتار خودش را نیز فراموش کرد، چنان‌که دیگر نمی‌توانست مثل قبل راه برود.

کلاغ‌ها در بازار بورس چگونه خرید و فروش می‌کنند؟

احتمالاً برای بسیاری از افرادی که در بورس فعالیت می‌کنند این اتفاق پیش آمده که آن شخص به توصیه یک نفر، یک کارگزار، یک سایت، بر اساس یک اخبار به

نظر رانتي ، يا يك فرد ظاهرا حرفه اي در بورس، سهمي خريده يا سهمي را كه داشته فروخته و سهم جديدي خريده و بعضا اين كار را چندين بار تكرر کرده. تا اينكه فرد بعد از مدتي متوجه مي شود كه با احتساب كارمزدی كه براي اين خريد و فروش ها پرداخته و بعضا ضررهایی كه در بعضی از اين معاملات نصيب شده ، اگر سهم اولی را نگه می داشت و از اين سهم به سهم های ديگر نمی پرید سود بیشتری می کرد ، اين فرد در نهايت کلی سود را به خاطر كارمزد هایی كه براي خريد و فروش های متعدديش پرداخت کرده نصيب كارگزاری کرده و كارگزار و ديگران را ثروتمندتر کرده نه خودش را. در بيشتري موارد، اين افراد بعد از خريد سهام و گاهی حتی بعد از فروش سهمشان تازه در مورد آن به تحقيق می پردازند، تحليل های مختلف را مطالعه می کنند و اگر با تحليل آشنا باشند تازه شروع به بررسی و تحليل سهم می کنند و بيشتري با ای کاش... ، حيف شد.... ، خوب شد كه فروختم.... ، بهتر كه نخريدم... و جملايی مثل اين خريد و فروش های خود را توجيه می کنند. اين رفتار همان رفتار كلاغ هاست كه با تقليد كوركورانه می خواهند مثل نخبگان اين بازار دمی خواهند در آن سود کنند.

سرمایه گذار کلاغی همیشه پر استرس و نگران

همه ما ممکن است کم و بیش درگیر این اتفاق شده باشیم، بعضی از آن درس می گیرند و بعضی بدون آنکه متوجه این اشتباه شوند به این کار ادامه می دهند. این نوع سرمایه گذاری را سرمایه گذاری کلاغی می نامیم، کلاغ در ادب فارسی نماد بی فکری و تقلید کورکورانه هستند. سرمایه گذار کلاغی نیز چنین کاری می کند، چرا که این فرد خودش هیچ توانایی ندارد و همیشه با اطلاعات دیگران خرید و فروش می کند. یک سرمایه گذار کلاغی بدون سعی و تلاش برای بررسی و تحلیل سهم ها دائماً به دنبال تقلید کورکورانه و پرسیدن و شنیدن از این و آن است تا بتواند از طریق این اطلاعات بادآورده سود کسب کند. این نوع سرمایه گذاران همیشه به دنبال فرصت جدید و رانت های تازه از دیگران هستند و به این امید که در نهایت با یکی از این حرف های دیگران، یک شبه ره صد ساله را طی کنند و سود کلانی بدست بیاورند، اوقات خود را می گذرانند. که البته در بیشتر مواقع هم از این سودها جا می مانند و حتی متضرر می شوند. یک سرمایه گذار کلاغی به دلیل اینکه اطلاعات زیادی درباره سهامی که خریده ندارد، همیشه نگران و مضطرب است و با افت و خیز قیمت سهام استرس و فشار زیادی را متحمل می شود. دلیل آن هم بسیار ساده است: عدم اطلاعات کافی در باره سهامی که خریده شده و همچنین مطمئن نبودن



نسبت به اطلاعاتی که از فرد دیگری کورکورانه دریافت کرده است. یکی از ویژگی سرمایه گذاران کلاغی این است که از عبارت: (میگن...!) زیاد استفاده می کنند و در حال نقل پیام دیگران برای دیگران هستند تا آنها را نیز با خود همراه کنند و در این تقلید کورکورانه تنها نباشند.

در بهترین حالت هم اگر چنین افرادی به موفقیت برسند(که البته سود کردن در بورس براساس اطلاعات دیگران موفقیت محسوب نمی شود) درصد آن ها در مقایسه با سایر سهامداران بسیار ناچیز است و قرار گرفتن در این درصد ناچیز احتمال بسیار کمی دارد. نمی شود منکر این شد که در بازار بورس اطلاعات نهانی تقریباً در تمام شرکت ها وجود دارد و همیشه هم در هر شرکتی افرادی هستند که از این اطلاعات آگاه هستند. ولی از نظر عقلانی هیچ دلیلی وجود ندارد که شخص یا گروهی که اطلاعات نهانی در اختیار دارند آن را به راحتی در اختیار دیگران قرار دهند و این افراد خیلی راحت می توانند خودشان از این اطلاعات استفاده کرده و منافع زیادی کسب کنند و نیازی به انتشار این اطلاعات ندارند.

اگر سرمایه گذار کلاغی باشید بازچه دیگران خواهید شد

وقتی اطلاعاتی به دست شما می رسد که ادعا می شود یک فرصت فوق العاده هستند، معمولاً یکی از حالت‌های زیر محتمل است:

یا اینکه عده ای در تلاش هستند با پخش این اطلاعات ارزش سهم در اختیار خود را بالا ببرند که در این صورت اگر هم رشدی در سهم اتفاق بیفتد شما فقط به عنوان یک ابزار برای رشد بیشتر قیمت به آنها کمک کرده اید، و یا اینکه عده ای در تلاش هستند که سهمی که در اختیار دارند را بفروشند و در حال بازار گرمی برای سهم خود هستند. در نتیجه به احتمال زیاد وقتی که سهم خود را به فروش برسانند شاهد افت های شدیدی در سهم هستیم. اگر فکر می کنید اینگونه نیست یک امتحان ساده انجام دهید و برای مثلا یک یا دو ماه تمامی اخباری را که از سهم ها به شکل های مختلف به عنوان یک فرصت فوق العاده، یک سهم بی نظیر و ... به دست شما می رسد یادداشت کنید و سرگذشت قیمت آن سهم ها را پیگیری کنید تا خودتان متوجه شوید که واقعا چند درصد از این اطلاعات به اصطلاح داغ و دسته اول باعث رشد و سودآوری سهم ها شده اند.

طرز فکر این گروه این است که بورس ما جایی است که شما فقط می توانید با استفاده از حرف دیگران و تقلید کورکورانه از خرید و فروش آنها سود کنید. از نظر این افراد تحلیل و بررسی و مطالعه در این بازار جواب نمی دهد!

متأسفانه گاهی این سرمایه گذاران کلاغی که به دنبال پیدا کردن اطلاعات و اخبار دسته اول در سهم ها هستند، حتی بیشتر از برخی تحلیلگران و فعالان بورس برای پیدا کردن اخبار و شایعات و سیگنال ها، زمان می گذارند و برخی روزها حتی تا چندین ساعت هم برای این کار وقت می گذارند پس نمی توان گفت که همه این ها افرادی هستند که برای موفقیت در بازار بورس زمان اختصاص نمی دهند، بلکه مسئله اصلی در ذهنیت و طرز فکر اینگونه افراد از بورس است. طرز فکر این گروه این است که بورس ما جایی است که شما فقط می توانید با استفاده از حرف دیگران و



تقلید کورکورانه از خرید و فروش آنها سود کنید. از نظر این افراد تحلیل و بررسی و مطالعه در این بازار جواب نمی دهد!

ولی آیا نخبگان بورس با این روش توانسته اند به ثروت های بزرگ دست پیدا کنند؟

اگر به سرگذشت افراد نخبگان بورس در جهان دقت کنیم، می بینیم که این افراد همیشه با استفاده از دانش و تجربه خود و با اتکا به داشته ها و تحلیل های خود در این بازار موفق شده اند. به گفته وارن بافت یکی از موفق ترین سرمایه گذاران ۵۰ سال اخیر: یک سرمایه گذار بازنده به دنبال یک فرصت یک به هزار است که وی را در مسیر آسان تر قرار دهد، همیشه به هر که ظاهرش شبیه ”متخصص ها“ باشد گوش می دهد و به ندرت پیش از خرید مطالعه ای عمیق و اساسی انجام می دهد. تمام تحقیقات او منحصر به آخرین نکته ”داغ“ پیشنهادی از سوی یک کارگزار، یک شخص معرف در شبکه های اجتماعی بورسی، سایت، مشاور یا روزنامه روز قبل است.

پیتر لینچ یکی از مدیران افسانه ای وال استریت نیز می گوید: اگر شما سهام شرکتی را بدون مطالعه و تحقیق خریداری کنید، این کار شما هیچ تفاوتی با شرکت در یک بازی شرط بندی ندارد و احتمال موفقیت آن بسیار کم است.

در بازار بورس خودمان هم نمونه های بسیاری از افراد موفق وجود دارند که به دلایلی نمی توان اسم آنها را ذکر کرد، به هر کدام از آنها که نگاه می کنیم کوله باری از تجربه و اطلاعات ارزشمند هستند که این تجربیات با گذشت زمان بدست آمده است. یکی از این افراد به ما می گوید:

کلام آخر

سخن نهایی ما با شما این است که در بازار سرمایه همیشه فرصت کسب سود وجود دارد و بسیاری از افراد هستند که با استفاده روش های مختلف تحلیلی سود های خوبی بدست می آورند ، فقط شما باید روش کسب سود از این بازار را به مرور پیدا کنید.می توان با فرا گرفتن تحلیل و بالا بردن اطلاعات و مهارت های شخصی از سود های این بازار استفاده کرد.اما این اتفاق یک شبه نمی افتد و شما نیاز به کسب تجربه در طی زمان دارید

- نخبگان بورس می دانند به جای یک سرمایه گذار کلاغی بودن باید سعی کنیم،خودمان راه و روش کسب سود و آموزش بورس را فرا بگیریم تا بتوانیم به طور مستمر از این مهارت خود استفاده کنیم. درصد افرادی که با استفاده از حرف های دیگران در بورس به ثروت رسیده اند بسیار ناچیز است.
- سرمایه گذار کلاغی فکر می کند زیرک است و با زیرکی باید یک شانس فوق العاده را از فردی دیگر بیابد و با تقلید از کار او در بازار نتیجه شگفت انگیری بگیرد.
- اگر واقعا به دنبال موفقیت در بورس هستید،باید بپذیرید که موفقیت در هر حرفه ای نیازمند کسب تجربه و تخصص کافی درکنار گذشت زمان است پس به دنبال بدست آوردن این تجربه و تخصص و افزایش مستمر آن باشید و از ضرر کردن های جزئی ترسی نداشته باشید.این زیان ها خود بخشی از تجربه اندوزی شماست که می تواند موفقیت های بلند مدت شما را تضمین کند.
- نخبگان بورس می دانند زمانی را که برای فعالیت در بورس اختصاص می دهیم،به جای دنبال کردن شایعات و حرف های دیگران به کسب اطلاعات و تحلیل و بررسی بازار و سهام شرکت ها و در نهایت افزایش تجربه خود اختصاص دهیم،تا موفقیت خود در بورس را در بلند مدت تضمین کنیم.

فعال بازار بورس ایران : سینا محمدی